

اسلام اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه میکند، به هیچ وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ کانه یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شئون مختلف.

سیدعاشق حسینی

بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

هفته اول دی ماه ۱۴۰۰ □ شماره هفتم

مدیر مسئول: فرزانه جعفری

سردبیر: فاطمه بریمانی‌ورندی

## فرزندان تاریخ

سر خط یک | فاطمه بریمانی‌ورندی



پیش‌تر شنیده بودم که ما فرزندان خمینی، فرزندان تاریخیم. تاریخی پر ز خون عزیزانمان، تاریخی به بلندی شب‌های علی (ع) که تنها چاه و ماه گواه‌اند، به سرخی تشتی پر ز جگر پاره حسن (ع) و به کبودی پنجگانه بر گونه دخترکی سه ساله...

هر چه در تاریخمان غوطه‌ور شویم، پر است از صداهایی که خفه شدند و جاودانه ماندند، از اشک‌هایی که حلقه بستند و فرو نریختند و از گریه‌هایی که با دست به سکوت وا داشته شدند. شاید آنجا که روح الله فریاد زد، همان صدایی بود که باید حین سوختن در خانه از حنجره علی (ع) بیرون می‌آمد، شاید فریادی بود که حسن (ع) با هر بار حرارت و جودش فرو خورد، و یا ضجه‌ای که زینب (س) بالای تل از آن گذشت؛ هر چه که بود و هر چند که در تاریخ خاموش ماند، در روح خمینی حلول پیدا کرد و به گوش جهان رسید. بعد‌ها ما از سید مرتضی شنیدیم که شاید بتوان حلقوم‌ها را برید اما فریادهارا هرگز و فریادی که از حلقوم بریده برآید، در تاریخ جاودانه می‌ماند. به راستی که فریاد خمینی آن روزی که در بالای منبر لرزه بر جان شیعیان انداخت و قلوب بی‌آلایش را با خود همراه کرد، همان صدایی بود که زهرا سالها قبل تلاش کرد که به کوفیان اصم بفهماند اما نتوانست و جوابش را در کوچه گرفت، در پشت در خانه، شاید صدای خمینی همان فریادی بود که باید از حلقوم علی (ع) در میان خانه در دفاع از هستی‌اش برمی‌آمد، که خفه شد.

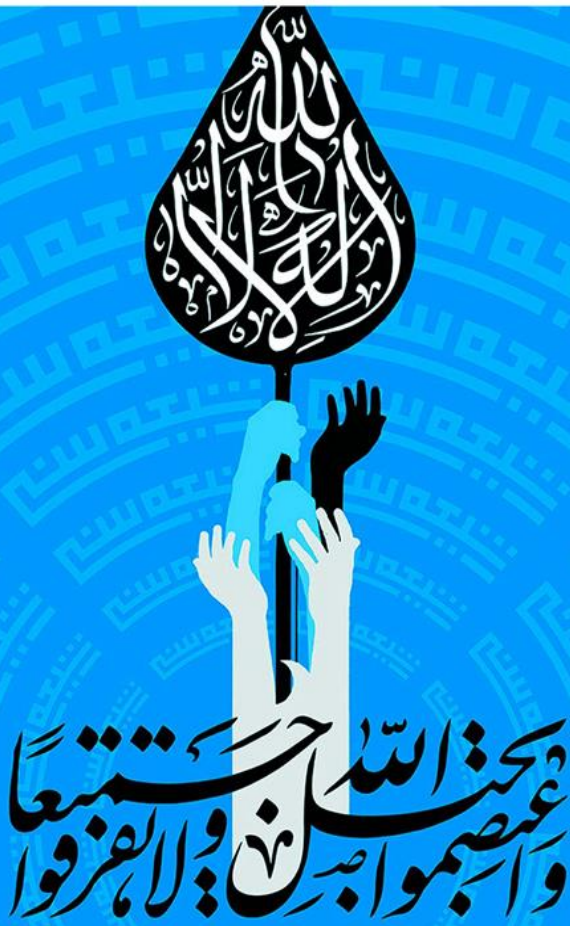
ما به عنوان اخلاف این تاریخ شاهدهیم که هر چه صدایمان خفه شد، خمینی در فیضیه فریاد کشید و تک‌تک آجرهای مدرسه گواهند بر لرزه‌ای که در قلوب مومنین و بر پیکره طالح رژیم پهلوی انداخت و حالا بیش از چهار دهه از آن روزها می‌گذرد و ما به عنوان فرزندان تاریخ پر ز خون و سکوت، وارثان رسالت صداهای برو خفته اسلاف خودیم.

# وحدت‌نامه

به قلم حسنا حاجی‌باشی

امام، مالک کل عالم است و اگر غاصبی چیزی به ایشان بیخشد، ملکیت ایشان به خاطر هدیه توسط غاصب نیست. بر فرض کنیز بودن مادر زین العابدین، و ملک اهل بیت بوده و عمر بن خطاب مدخلی در ملکیت وی نداشت که با سلب مشروعیت خلافتش، نکاح امام حسین با شهربانو ابطال شود. لذا سخن گرگیج یک افترای بی سر و ته است و الزام او از اساس منقوض است. ثالثاً کجای فقه اهل سنت عاقد باید عادل باشد؟ آیا عاقد فاسد عقدش باطل است؟ معاویه بن وهب گوید: به امام صادق عرض کردم: اگر امام افراد را به سریه بفرستد و غنیمت‌هایی به دست آورند، چگونه تقسیم می‌شود؟ فرمود: اگر به فرماندهی کسی که امام او را منصوب فرموده است جنگیده‌اند، باید یک پنجم که سهم خدا و رسول است جدا شود و چهار پنجم آن را بین خودشان تقسیم کنند و اگر در آن جنگ به جنگ مشرکان نرفته‌اند، هر چه غنیمت گرفته‌اند برای امام علیه السلام است و هر طور دوست بدارد با آن رفتار می‌کند. طبق نظر بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت، می‌توان کافر را از یک مسلمان وکیل کرد، تا از طرف او عقد نکاح یا... را انجام دهد!

مولوی محمدحسین گرگیج، امام جمعه اهل سنت آزادشهر در خطبه‌های نماز جمعه ۱۹ آذر، در اظهاراتی تفرقه افکنانه و ضد وحدت امت اسلامی، به ساحت مقدس اهل بیت آشکارا توهین کرد. او گفته بود: «مادر امام زین العابدین (ع) دختر یزدگرد بود و عمر بن خطاب پس از فتح ایران او را به ازدواج امام حسین (ع) درآورد و ۹ امام پس از آن نیز از همین نسل به وجود آمده‌اند. در نتیجه اگر خلافت عمر بن خطاب را نپذیریم، اعتبار امامان [شیعه] و نسب آنان را زیر سؤال برده‌ایم!». پخش کلیپ سخنان تفرقه افکنانه امام جمعه اهل سنت آزادشهر در فضای مجازی، قلوب مسلمانان جهان بویژه مردم ایران اسلامی را جریحه دار کرد و این اظهارات جنجالی با واکنش‌های زیادی حتی در بین جامعه اهل سنت روبرو شد. به دنبال انتشار این اظهارات، خبرگزاری‌ها خواستار برخورد با مولوی گرگیج شدند و همچنین خبرهایی با عنوان «اعلام برائت علمای اهل سنت» از مولوی گرگیج منتشر کردند و به نقل از برخی از «علمای شیعه» خواستار برخورد قضایی و محاکمه آقای گرگیج شدند. مولوی گرگیج در بیانیه‌ای اعلام کرده است که علت سخنانی او نصب بن‌های توهین آمیز در کوچه و خیابان‌ها و برخی از سخنان تفرقه افکن در «ایام فاطمیه» است. باید گفت علما اهل منطق، گفت‌وگو و استدلال هستند، بنابراین اگر شبهه و سوالی دارند باید در جمع علمی مطرح کنند، نه در خطبه نماز جمعه که باعث شود رسانه‌های اجنبی و صهیونیستی استفاده سوء از آن کنند. به همین خاطر تدابیری باید اندیشیده میشد که در کنار حفظ وحدت این نوع وقایع تلخ دیگر تکرار نشود. در جواب به این شبهه ی بی پایه میتوان گفت اولاً حضرت شهربانو نه کنیز هدیه به امام حسین علیه السلام بود و نه توسط عمر به نکاح امام حسین (ع) درآمده. بلکه ازدواج رسمی بود. اسراء فتح ایران ابتدا توسط امام علی آزاد شدند و سپس ازدواج رسماً صورت گرفت که طبق عقیده شیعیان خطبه عقد مولای ما امام حسین با شهربانو به دستور امیرالمومنین و توسط جناب حدیفة از شیعیان آن حضرت خوانده شد. ثانیاً بالفرض کنیز بوده باشد، برحسب فقه صحیح اسلام هر غنیمتی [اموال منقوله، کنیز و جواری، اراضی] که تحت حاکمیت ظالمین از مشرکین گرفته شود، اساساً ملک امام معصوم است.



پس استدلال آقای گریج در مورد اینکه چون خلیفه دوم حضرت شهربانو را به عقد سید الشهداء در آورده است پس خلافت او شرعی است، نه تنها دلالت بر خلافت ندارد، بلکه این عمل الزاما حتی نمی تواند دلالت بر اسلام شخص وکیل داشته باشد! البته مولوی گریج زمانی که دید سخنان جنجالی و سنجدیه او نسبت به اهل بیت (ع) قلوب مردم را جریحه دار کرده و باعث ناراحتی محبان ائمه اطهار (ع) شده است، با انتشار بیانیه‌ای توضیحاتی را ارائه و عذرخواهی کرد اما باز هم عذرخواهی او باعث تبرئه‌ی کامل او در اذهان عمومی نشد و برای برخی مورد قبول هم واقع نشد و حتی بعضی از منتقدین معتقد بودند او عزل شود یا طبق ماده ی ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی باید رفتار شود. که در نهایت چند روز گذشته با حکم نماینده ولی فقیه در گلستان مولوی گریج از سمتش عزل شد.

حرف آخر

پیامبر اعظم (ص) فرموده اند: «إِنِّي تَارِكُ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِن تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ فَأَنْظَرُوا كَيْفَ تَخْلُفُونِي فِيهِمَا أَلَا هَذَا عَذَبٌ فُرَاتٌ فَاشْرَبُوا وَ هَذَا مِلْحٌ أَجَاجٌ فَاجْتَنِبُوا»؛ اهل بیت (ع) محور وحدت امت اسلامی اند و اهل تسنن هم به این انوار الهی محبت و ارادت خاصی دارند و هیچ مسلمان آزاده ای اهانت به ساحت مقدس آنان را بر نمی تابد، لذا هر کسی که داعیه مسلمانی دارد باید به وحدت امت اسلام بیندیشد نه تفرقه و جدایی.

## بودجه ۱۴۰۱ تداوم یا تغییر؟

به قلم محمدصادق عباسیان

ارز ۴۲۰۰ تصمیمی بود که صنعت داخل را تنبیه و واردات خارجی را تشویق کرد و از جهات مختلف به کسری بودجه بیشتر دامن زد. اقدام دولت در راستای حذف ارز ۴۲۰۰ در سال آینده خبر خوشی برای تولیدکنندگان و حتی مصرف کنندگان (به شرط اقدام درست در حمایت از مردم در تامین کالاهای اساسی) می باشد. نکته مثبت دیگر افزایش سهم هزینه‌های عمرانی نسبت به هزینه‌های جاری است. مسئله‌ای که می‌تواند علاوه بر بهبود زیرساخت های مورد نیاز برای توسعه نظیر راه آهن جاده و... به رشد و رونق صنایع مرتبط منجر شود و تا حدی از مشکلاتی نظیر بیکاری و تورم بکاهد. علیرغم همه تحولات ذکر شده، بودجه ۱۴۰۱ ادامه دهنده برخی از سنت های غلط دولت های پیشین است. اولین و شاید مهم ترین ایراد بودجه ۱۴۰۱ عدم تفکیک بودجه ریالی کشور از بودجه ارزی است. متأسفانه طی ۵۰ سال گذشته بودجه ما همواره همراه با درآمدهای ریالی حاصل از فروش نفت بسته شده است. در حالیکه این مسئله نه تنها اقتصاد کشور را آسیب پذیر می‌کند، بلکه با وارد کردن درآمدهای باآورده نفتی به جامعه باعث بروز بیماری هلندی

بودجه تنها یک سند مالی نیست که درآمدها و مخارج سال آینده را پیش بینی کند؛ بودجه در حقیقت یک برنامه جامع اقدامات یک ساله دولت است که به تصویب می رسد. به احتمال زیاد شما این جمله را شنیده اید و تصدیق کرده اید که اهمیت محتویات بودجه به مراتب مهم تر از یک گزارش از درآمدها و هزینه‌های احتمالی است. با این حال بودجه ۱۴۰۱ با در نظر گرفتن شرایط حساس فعلی اهمیت دوچندان پیدا می‌کند. لایحه بودجه ۱۴۰۱ در حالی تقدیم مجلس شد که اقتصاد ایران شرایط بسیار ویژه ای را تجربه می‌کند. پس از مدت ها اقتصاد ایران با از سر گذراندن بحران هایی مانند کرونا تا حدودی در شرف احیا است. شرایطی که درآمدهای نفتی تا حدودی به حالت طبیعی خود نزدیک می شود. شرایطی که مردم همچنان تورم ۴۱ درصدی را تجربه می‌کند. شرایطی که فاصله میان فقیر و غنی به بالاترین حد خود پس از انقلاب اسلامی رسید و ... با توجه به اهمیت بالای بودجه ۱۴۰۱ سوالی که احتمالا پیش می آید این است که آیا بودجه ۱۴۰۱ نوید دهنده اصلاحات و تغییرات جدی‌ای در سال آینده است یا بدون تغییرات جدی اشتباهات سابق ادامه پیدا می‌کند؟ پاسخ این سوال را در ادامه بررسی خواهیم کرد. بگذارید اول از اصلاحات بودجه شروع کنیم. مسلماً یکی از اساسی ترین و امیدبخش ترین اصلاحات در بودجه ۱۴۰۱، رشد چشمگیر سهم درآمدهای مالیاتی از سید درآمدهای بودجه عمومی است امری که اگر به صورت درست ادامه پیدا کند می‌تواند بخش بزرگی از مسائل و مشکلات ناشی از کسری بودجه مانند تورم را حل کند و به اقتصاد ما ثبات، پیش بینی پذیری و در نهایت رونق بدهد. نکته مثبت دیگر حذف ارز مفسده انگیز ۴۲۰۰ تومانی است. تصمیمی که می توان آن را نماد سبک خاص و درخشان سیاست‌گذاری اقتصادی دولت قبل در نظر گرفت. تصمیمی که منجر به آن شد که حدود ۳۲ میلیارد دلار از ذخایر ارزی کشور را در جدی ترین مراحل تحریم عملا حیف و میل شود.



از سمت دیگر دولت با اعمال مالیات صرفاً ۷ درصدی بر شرکت‌های دولتی و در عین حال اخذ مالیات ۲۰ درصدی از بخش خصوصی، ظلمی غیر قابل چشم پوشی در حقوق شرکت‌های خصوصی روا داشته است و امکان رقابت میان شرکت‌های خصوصی و دولتی را از بین برده است. به طور کلی با در نظر گرفتن نکات بالا این نکته دریافت می‌شود که دولت حرکت‌هایی به سمت اصلاحات بودجه‌ای انجام داده اما روند این اصلاحات سریع فوری و انقلابی نیست و تحولات بودجه‌نیازمند زمان است. این در حالی است که شرایط حساس فعلی نیازمند این است که دولت با اراده‌ای خدشه‌ناپذیر و مدیریتی جهادی به اصلاح وضع موجود بپردازد.



و صنعت زدایی از اقتصاد شده و می‌شود. بررسی تجربه‌های موفق در کنترل این بیماری در مقابل تجربه تلخ ایران گویای اهمیت این مطلب یعنی جدا سازی نفت از درآمدهای یا همان تفکیک بودجه ریالی از ارزی می‌باشد. هر چند شاید بتوان این توجیه را پذیرفت که کنار زدن این سنت ۵۰ ساله در بودجه سال اول دولتی نوپا ممکن نیست، اما بررسی‌های بیشتر نشان می‌دهد که دولت حتی از برداشتن گام‌های اول به سوی این تفکیک خودداری کرده است. بررسی لایحه بودجه ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که در این لایحه سهم صندوق توسعه ملی، به عنوان ابزار اصلی جدایی درآمدهای نفتی از اقتصاد، از درآمدهای نفتی از حدود ۴۰ درصد مصوب به نیم تقلیل یافته و به بیست درصد رسیده است و از سوی دیگر به منابع صندوق توسعه ملی به نوعی دست درازی شده است و عملاً صندوق توسعه ملی، علیرغم همه تأکیدات اقتصاددانان و حتی مقام معظم رهبری، از رسیدن به اهداف خود بازمانده است. مسئله دیگر مربوط به درآمدهای مالیاتی دولت در سال آینده است. اگر به یاد داشته باشید پیش‌تر افزایش سهم مالیات از درآمدهای عمومی را امیدبخش توصیف کردیم؛ اما نکته‌ای که وجود دارد این است که این رشد ۶۲ درصدی لزوماً همراه با رشد پایه‌های مالیاتی، حذف معافیت‌های پرتعداد غیرضروری و یا شفاف‌سازی درآمدها نیست (لااقل در کوتاه مدت) در نتیجه احتمالاً درآمدهای مالیاتی سال آینده به دو سرنوشت دچار خواهد شد:

یا درصدی از درآمدهای مالیاتی سال آینده به کلی محقق نخواهد شد و کسری بودجه تشدید خواهد گردید یا اینکه این افزایش ۶۱ درصدی تا حد زیادی از مؤدیان فعلی (شرکت‌های خصوصی، کارگاه‌های تولیدی، کارمندان دولت و صاحبان کسب و کارهای کوچک) با فشار مالیاتی مضاعف محقق می‌شود. در هر صورت افزایش درآمدهای مالیاتی دولت به این شیوه و این اعداد پیش از آماده‌سازی زیرساخت‌ها درست به نظر نمی‌رسد. مسئله بسیار مهم دیگری که در بودجه ۱۴۰۱ نیز ادامه پیدا می‌کند، مسئله شرکت‌های دولتی است. در بودجه ۱۴۰۱، ۲۱۱۲ هزار میلیارد تومان به عنوان بودجه این شرکتها در نظر گرفته شده است البته لازم به ذکر است که این رقم بیانگر گردش مالی شرکت‌هاست و به معنی تخصیص اعتبار از درآمدهای نظیر مالیات و نفت نیست. مشکل اصلی این است که عملاً هیچگونه نظارتی بر این شرکت‌ها صورت نمی‌گیرد و همین امر موجب شکل‌گیری زمینه‌های فساد فراوان شده است. از سویی این عدم شفافیت باعث شده که دولت از درآمد‌های واقعی این شرکتها محروم بماند.



# مذاکره با آل سعود

به قلم امیرحسین قدمی

روابط دیپلماتیک ایران و عربستان نیز با توجه به همین اختلاف های تمدنی فراز و نشیب های فراوانی داشته است. از کشتار خونین حجاج ایرانی در حج سال ۱۳۶۶ و فاجعه منا و شهادت شهید رکن آبادی - سفیر اسبق جمهوری اسلامی در لبنان تا اتفاق تلخ فرودگاه جده و حمله به سفارت عربستان در تهران همه و همه به این فراز و نشیب ها سرعت بخشیده اند.

بعد روی دادن از فاجعه منا و دو اتفاق آخر در تاریخ سیزدهم دی ماه ۹۴ با اعلام وزیر امور خارجه وقت عربستان سعودی تمامی روابط دیپلماتیک میان دو کشور قطع شد و تا همین امروز ادامه دارد.

بنا بر دلایلی که بالا تر گفته شد و ایضا حساسیت شدید مردم مدت هاست که روند مذاکرات به پشت درب های بسته برده شده و رنگ و بوی امنیتی به خود گرفته است و طرفین سعودی و ایرانی هنگام سوال از مذاکرات با اعلام استقبال از نشستن بر سر میز مذاکرات به سراغ پاسخگویی به سوالات بعدی می روند. اتفاقی که تا کنون به کرات روی داده است. اما خب باید این را نیز یادآوری کرد که متأسفانه به خصوص از طرف عربستانی رفتار صادقانه ای مشاهده نمیشود و جدید ترین نمونه این عدم صداقت برمیگردد به ممانعت سعودی ها از بازگشت به موقع شهید حسن ایرلو سفیر جمهوری اسلامی در یمن برای درمان به ایران اشاره کرد.

با توجه به عدم صداقت واضح سعودی ها در عمل می توان اینطور جمع بندی نمود؛ با توجه به تغییر رویکرد ایالات متحده نسبت به عربستان سعودی در دوره ریاست جمهوری بایدن در مقایسه با ترامپ و همچنین شکست مفتضحانه شان در جبهه های یمن طبیعی است که این کشور برای کاهش تنش ها میان جمهوری اسلامی به خصوص برای کسب پیروزی در جنگ با یمن وارد میدان مذاکره شود. از این طرف نیز جمهوری اسلامی نمی تواند از نقش جهان عرب در تشکیل تمدن اسلامی چشم پوشی کند ولی خب جهان فعلی عرب بیشتر بازیگر تمدن ساز غرب است تا جهان اسلام و همچنین مواضع سعودی در یمن، درباره موضوع اسرائیل و در نا امن کردن اطراف ایران از طریق تجهیز گروه های تکفیری و مسلح در مغایرت کامل با خواسته های جمهوری اسلامی است.

به صورت کلی میتوان گفت که دست جمهوری اسلامی برای مذاکره با عربستان پر تر است و در صورت کوتاه آمدن عربستان از مواضع غیر صادقانه اش می توان انتظار بهبود روابط را داشت اما اگر این اتفاق نیافتد در بر همان پاشنه قبلی می چرخد.



یکی از مهم ترین چالش های ایران به عنوان یک بازیگر منطقه ای ارتباط با همسایگانش است. مجموعه کشورهایی که هر کدامشان با توجه به منابع و ذخایر انرژی شان می توانند خود به تنهایی در جامعه جهانی خودی نشان دهند. بی شک یکی از مهم ترین همسایگان ایران عربستان سعودی است. کشوری که در رتبه بندی جهانی از لحاظ ذخایر نفتی در جایگاه دوم جهان و از لحاظ ذخایر گازی در رتبه پنجم جهان می باشد. ایران و عربستان با توجه به عوامل مختلفی به خصوص بعد از انقلاب اسلامی درگیر یک نزاع استراتژیک و راهبردی شده اند.

طبیعی ست که عربستانی که تا قبل از انقلاب اسلامی به دلیل وجود قبله مسلمانان و برگزاری مراسم عظیم سالیانه حج به مثابه کشور اول جهان اسلام شناخته میشد، از قد علم کردن حکومت جمهوری اسلامی که صدای رسای برداشت متفاوتی از اسلام سیاسی بود راضی و خشنود نباشد اما درگیری ما با عربستان سعودی بحث دیگری است و دعوا بر سر این نیست که ایران کشور اول جهان اسلام باشد یا عربستان بلکه دیدگاه استبدادی حاکم بر عربستان سعودی به هیچ وجه مورد قبول و تایید امامین انقلاب نبوده و نیست. دیدگاهی که حکومتی را به وجود آورده است که مهد اسلام را تبدیل به چراگاهی برای دشمنان اسلام کرده است، دیدگاهی که به واسطه شدت پر باری اش برای دشمنان اسلام توسط رئیس جمهور سابق ایالات متحده گاو شیرده خوانده شد، دیدگاهی که آتش خود سری هایش بر سر مردمان مظلوم یمن فرو می رود و ثروتش به کام دشمن ازل و ابد جهان اسلام یعنی رژیم غاصب صهیونیستی.